

**Interactive Incentives in Di- and/or Con-vergence in Translation:
Evaluating Representations of the ‘Other’ in Institutional Translations
of Political Discourses**

Samir Hassanvandi

Department of English, University of Isfahan. Isfahan, Iran

Akbar Hesabi ¹

Department of English, University of Isfahan. Isfahan, Iran

Saeed Ketabi

Department of English, University of Isfahan. Isfahan, Iran

Received: 04 March 2022

Accepted: 13 June 2022

Abstract

The significance of the present study is that it emphasizes the decisive role of linguistic, pragmatic and cognitive parameters in the occurrence of di- and/or convergence in translation. The present study aims at evaluating discursive representations of ‘Other’ in institutional translations of political discourses. This paper strives to probe into the underlying factors and incentives in the rise of di- and/or con-vergence in the source and target texts as construing the ‘Others’ and their emerging threats. Employing *Proximation Theory*, we embarked upon analyzing 20 instances of the Iranian Supreme Leader’s speeches in which he characterizes the ‘Other’ and construes their threats against the Islamic Republic of Iran. Our analyses of data indicated that the institutional translations of the original speeches enjoy maximum con-vergence with the source texts even though there was only meager di-vergence between source and target texts in modal and aspectual structures. However, the reported instances of di-vergence brought about less significant semantic and conceptual differences in construing the threats. Furthermore, regarding the underpinning factors and incentives for the emergence of di- and/or con-vergence, we argued that there was a strong dialectic relationship between linguistic and extra-linguistic factors, such as the subject position of the text producer, the translating institution and objectives of translating, providing a base ground for the translator to follow divergence or convergence.

Keywords: Translation Evaluating; Other Representation; Political Discourse; Proximation Theory; Interactive Incentives.

1. Corresponding Author. Email: a.hesabi@fgn.ui.ac.ir

انگیزه‌های تعاملی در همسویی / ناهم‌سویی در ترجمه ارزیابی چگونگی بازتاب «دیگری» در برگردان نهادی از گفتمان‌های سیاسی

سمیر حسون‌دی (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

اکبر حسابی* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

سعید کنایی (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

چکیده

انجام پژوهش حاضر از آنجایی ضرورت دارد که بر نقش تعیین‌کننده اختیارات و محدودیت‌های زبانی، کاربردشناختی و شناختی در رخداد هم‌سویی یا ناهم‌سویی در امر ترجمه تأکید می‌کند و به ارزیابی چگونگی بازتاب هستار «دیگری» در ترجمه نهادی از گفتمان‌های سیاسی می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که بروز هم‌سویی یا ناهم‌سویی بین متون مبدأ و برگردان‌های نهادی در مورد «دیگری» و تشریح تهدیدهای آن، ناشی از چه انگیزه‌ها و عواملی می‌تواند باشد؟ با استفاده از «نظریه مجاورت» تعداد ۲۰ نمونه از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ را که به تشریح هستار دیگری و تهدیدهای آن علیه جمهوری اسلامی می‌پردازند، تحلیل و بررسی شد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که برگردان‌های نهادی از سخنرانی‌ها و بیانات رهبری از هم‌سویی حداکثری با متون مبدأ برخوردار هستند. با این وجود، تحلیل داده‌ها موارد جزئی ناهم‌سویی در سطح ساختمان «وجهیت» و «وجه» را نشان داد، اما این موارد تغییرات معنایی فاحشی در کلیت پاره‌گفتار پدید نیاورده‌اند. در بررسی عوامل و انگیزه‌های مؤثر در بروز هم‌سویی یا ناهم‌سویی به این نتیجه رسیدیم که عوامل درون‌زبانی و عوامل برون‌زبانی متنوع از جمله جایگاه سیاسی تولیدکننده متن، نهاد متولی ترجمه و هدف از ترجمه در تعاملی دیالکتیک زمینه‌ای را برای مترجم فراهم می‌کنند تا بین متون مبدأ و مقصد هم‌سویی یا ناهم‌سویی ایجاد کند.

* نویسنده مسئول: a.hesabi@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

کلیدواژه‌ها: ارزیابی ترجمه؛ بازتاب دیگری؛ گفتمان سیاسی؛ نظریهٔ مجاورت؛ انگیزه‌های تعاملی

۱. مقدمه

ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی بین گفتمان و ایدئولوژی در برساخت جوامع و فضاهاى اجتماعى و همچنین، تمرین نظارت و کنترل اجتماعى امرى غیرقابل‌انکار است (فرکلاف^۱، ۲۰۱۰؛ فلاوردو^۲ و ریچاردسون^۳، ۲۰۱۸؛ هارت^۴، ۲۰۱۸؛ ون‌لیون^۵، ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۸)؛ به‌طوری‌که گفتمان و ایدئولوژی ساختارهای هدفمند و مُنقادکننده‌ای^۶ را به وجود می‌آورند که همواره قصد دارند سوژه‌های اجتماعى را به رعایت و تبعیت از یک سری قواعد و قوانین مسلط اجتماعى مقید نمایند (مایر^۷، ۲۰۰۴). در همین راستا، به‌منظور «ساخت‌دهی» به انگاره‌های ذهنی و مدیریت شناخت اجتماعى سوژه‌ها، ایدئولوژی‌ها محتوایی را فراهم می‌کنند. در این فرایند، گفتمان‌ها نیز شیوه‌های طبیعی‌شده و مرسوم‌شدهٔ رفتارهای اجتماعى و درک ویژهٔ جهان و رویدادها را در اختیار سوژه‌ها قرار می‌دهند.

ترجمه، به‌مثابهٔ یکی از انواع گفتمان، از این قاعده مستثنی نیست؛ در تلقی آن به‌عنوان فرایند و محصولی ایدئولوژیک، ترجمه شیوه‌ای متفاوت از وقایع و رخدادها را به سوژه‌های اجتماعى تحمیل می‌کند که آغشته به ایدئولوژی‌های متنوع و دستکاری‌شده است. این موضوع خود را در گفتمان‌های سیاسى به‌خوبی نشان می‌دهد که تأثیرات آنها در ساحت‌های مختلف اجتماعى از اهمیّت به‌سزایی برخوردار است؛ بنابراین، علی‌رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که به بررسی کارکرد ایدئولوژی در ترجمه می‌پردازند، توجه اندکی به مطالعهٔ انگیزه‌های زیربنایی رخداد

-
1. Fairclough
 2. Flowerdew
 3. Richardson
 4. Hart
 5. Leeuwen
 6. subjective
 7. Mayr

همسویی یا ناهمسویی در «بازبافت‌سازی»^۱ تأملات سیاسی درباره «دیگری»-های نظام‌های سیاسی و گُش‌ها و سیاست‌های تشریح‌شده آنها در ترجمه‌های نهادی^۲ از این نوع گفتمان‌ها معطوف شده است.

در پژوهش حاضر همسویی و ناهمسویی به قرابت یا دوری متن ترجمه‌شده از لحاظ ساختارهای زبانی، کاربردشناختی و شناختی به متن اصلی است. به بیان دیگر، پرسش اصلی در این ارتباط این است که چگونه ترجمه‌های نهادی از گفتمان‌های سیاسی موضوعات و تأملات سیاسی خاص نظیر «دیگرسازی»^۳، به‌عنوان یک امر سیاسی بارز را بازسازی و بازبافت‌سازی می‌کنند؟ آیا به دلیل اهمیت موضوعات مطرح‌شده در گفتمان‌های سیاسی، متون ترجمه‌شده همسویی حداکثری با متون مبدأ دارند یا فاصله زبانی و مفهومی از آنها می‌گیرند؟ همسویی یا ناهمسویی تحت تأثیر چه انگیزه‌های احتمالی از جانب مترجم یا نهاد و سازمان متولی ترجمه این متون بروز پیدا کرده است؟

انبوهی از مطالعات علمی برجسته، تعامل ترجمه و ایدئولوژی را از جوانب مختلف مورد توجه قرار داده‌اند (آیپر،^۴ ۲۰۱۲؛ پترسون،^۵ ۲۰۱۲؛ نادلا،^۶ ۲۰۱۲؛ لئوناردی،^۷ ۲۰۱۷؛ فدریچی،^۸ ۲۰۱۷؛ رودریگز آکروس،^۹ ۲۰۱۷؛ گودیول،^{۱۰} ۲۰۱۷). بیشتر این مطالعات انگیزه‌های ایدئولوژیکی در ناهمسویی‌های بین متون مبدأ و مقصد را بررسی کرده‌اند. به دیگر بیان، این دسته از مطالعات به این مسئله پرداخته‌اند که بروز ناهمسویی و تفاوت‌های زبان‌شناختی، کاربردشناختی و شناختی بین متون مبدأ و مقصد، از ساختارهای ایدئولوژیکی ریشه می‌گیرد که مترجم یا نهاد متولی ترجمه

1. re-contextualisation
2. institutional translation
3. otherisation
4. Eipper
5. Petterson
6. Nadella
7. Leonardi
8. Federici
9. Rodriguez Accros
10. Godayol

متون سیاسی به آن وابسته هستند. علی‌رغم وجود مطالعات گسترده، پرسش مهم و قابل توجه این است که چه انگیزه‌هایی غیر از ایدئولوژی در بروز همسویی یا ناهمسویی زبان‌شناختی، کاربردشناختی و شناختی بین متون مبدأ و مقصد در بازتولید و بازتشریح «دیگری» تهدیدزا^۱ در ترجمه‌های نهادی-سیاسی دخیل هستند؟ انجام پژوهش حاضر از آنجایی اهمیت دارد که بر نقش تعیین‌کننده اختیارات و محدودیت‌های زبانی، کاربردشناختی و شناختی در رخداد همسویی یا ناهمسویی در امر ترجمه تأکید می‌کند.

پژوهش حاضر قصد دارد به کمک «نظریه مجاورت» (مجاورسازی)^۲ (کپ^۳، ۲۰۱۷؛ ۱۳۹۸) با بررسی ۲۰ نمونه از سخنرانی‌های سیاسی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در فاصله سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ و ترجمه نهادی آنها به پرسش‌های یادشده پاسخ دهد. انتخاب نظریه مجاورت برای این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که این نظریه ابزارهای واژ-دستوری، کاربردشناختی و شناختی برای تحلیل و تشریح مفهوم‌سازی‌های تهدیدهای مجاورشونده در گفتمان‌های سیاسی و عمومی فراهم می‌کند؛ بنابراین امکانات نظری و تحلیلی نظریه مجاورت برای بررسی، مقایسه و ارزیابی دیگرسازی و تشریح تهدید در گفتمان‌های سیاسی و ترجمه‌های آنها مناسب اهداف پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه پژوهش

پیگیری تعامل ترجمه و ایدئولوژی در ادبیات پژوهشی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است و حجم گسترده‌ای از آثار علمی را در خود گنجانده است. مطالعه و بررسی این تعامل در طیف گسترده‌ای از موضوعات پیگیری شده است؛ از جمله، بازنمود ایدئولوژی در ترجمه آثار ادبی به فارسی (فرحزاد و مدنی، ۲۰۰۹؛ خلیقی، خزاعی فرید، ناظمیان فرد، ۱۳۹۴؛ امیرشجاعی و قریشی، ۱۳۹۵؛ جوکاری و حدائق،

1. threatening other
2. proximation theory
3. Cap

۱۳۹۷؛ طاهری، ۱۴۰۱)، ترجمه و بازنمود ایدئولوژی مترجم (شفیعی ثابت و رابعی، ۱۳۹۰؛ احمدی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵) و تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای (خان‌جان، ۱۳۹۲؛ متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۵؛ آقاگل‌زاده و فیروزیان پوراصفهانی، ۱۳۹۵؛ رضوان‌طلب و صدیقی، ۱۳۹۸؛ میرزاابراهیمی تهرانی و شرکت‌مقدم، ۱۳۹۸؛ قاسمی‌نسب و عسکری، ۱۳۹۹؛ کاظمیان و واشقانی فراهانی، ۱۳۹۹). در این بخش، به جهت ارتباط موضوعی پژوهش حاضر، به بررسی و مرور دسته‌آخر از پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با تعامل ترجمه و ایدئولوژی در متون سیاسی پرداخته خواهد شد.

در تلاش برای بسط چارچوب «ارزیابی کیفیت ترجمه» ارائه‌شده توسط ژولین هوس^۱ (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۹)، خان‌جان (۱۳۹۲) با طرح پرسش‌هایی برای رهگیری دخالت‌های ایدئولوژیک در ویژگی‌های صوری متن، راهبردهای واژ-دستوری و هرگونه ارتباط بین علایق ایدئولوژیک و رازگونگی (ابهام) متن، تلاش می‌کند الگویی را برای تحلیل انتقادی ترجمه ارائه دهد. پس از بررسی کمی و کیفی طیف وسیعی از داده‌های خبری از رسانه‌های مختلف، خان‌جان (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که ساخت‌های زبانی در مقایسه با ساخت‌های گذرایی و وجهی از ناهم‌سویی ایدئولوژیک بین تولیدکنندگان متون مبدأ و مقصد تأثیر بیشتری پذیرفته است. همچنین، خان‌جان (۱۳۹۲) معتقد است عدم قرابت معرفتی و ایدئولوژیک بین مترجم و تولیدکنندگان متون مبدأ باعث پدیداری ابهام در متون مقصد می‌شود. چنین وضعیتی، دستیابی به شناخت و درک درست از نظام ارزشی، هویتی و معرفتی برساخته‌شده و منتقل‌شده در متن مبدأ را نیز دچار تحریف می‌کند. در همین ارتباط، متقی‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۹۵) به چگونگی قلب هویتی زبان مبدأ و کارکرد ارزشی-ایدئولوژیک در نتیجه دخالت‌های ایدئولوژیک در ترجمه اخبار می‌پردازند. با هدف بررسی و مطالعه تأثیرات ایدئولوژیک که مترجم می‌تواند در متن مقصد ایجاد نماید، متقی‌زاده و نقی-زاده (۱۳۹۵) بیان می‌کنند که فرآیند ترجمه در کنار تعدیل‌ها و تغییرات معمول، قادر

1. House

است با به وجود آوردن تغییراتی در سطح واژگان، تغییرات گفتمانی نیز به همراه داشته باشد.

با این وجود، پدیداری ایدئولوژی تنها محدود به بروز تغییرات واژی-دستوری نیست. آقاگل‌زاده و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر کاربرد آرایه‌های ادبی برای انتقال ایدئولوژی مترجم می‌پردازند. نویسندگان معتقدند راهبردهای سبکی به منظور انعکاس ایدئولوژی در بین مترجمان ایرانی حضور گسترده دارد. نویسندگان پژوهش مذکور تأکید می‌کنند علاوه بر ابزارهای سبکی، امکانات بلاغی زبان فارسی نیز ابزارهای مناسبی را برای انتقال ایدئولوژی در اختیار مترجمان قرار می‌دهد که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. آقاگل‌زاده و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۵) معتقدند دلیل این امر آن است که ماهیت صریح و بی‌پرده متون سیاسی مانع از به کار بردن ابزارهای بلاغی است.

این مهم تا حد زیادی به علایق ایدئولوژیکی مترجم یا نظم گفتمانی یک نهاد متولی امر ترجمه بستگی دارد. در این راستا، رضوان طلب و صدیقی (۱۳۹۸) به بررسی انتخاب واژگانی رسانه‌های مکتوب فرانسه‌زبان پرداخته و نشان می‌دهند در این روزنامه‌ها، بر اساس گزینش ایدئولوژیکی واژگان برای بازنمایی ایران، چهره‌ای ستیزه‌جو، نامطمئن و غیرقابل اعتماد به مخاطب القا می‌کند. تفاوت‌های بارز عقیدتی در متون ترجمه‌شده خود را در سطوحی پنهان‌تر، یعنی در سطح کاربردشناختی، نیز نشان می‌دهند. برخلاف راهبرد گزینش واژگان، نشانگر ایدئولوژی در ساختارهای کاربردشناختی آشکار نیستند. با هدف آشکارسازی ایدئولوژی پنهان‌تر در ترجمه متون مطبوعاتی با محتوای سیاسی، جبرئیلی، میرزاابراهیمی تهرانی و شرکت مقدم (۱۳۹۸) نشان می‌دهند ابزارهای کاربردشناختی نظیر تلویحات، پیش‌انگاشت، طرح‌واره‌ها، سبک واژگانی، کارگفت‌ها و انسجام معنایی، در انتقال معنای ایدئولوژی حاکم بر خبرهای سیاسی تأثیر به‌سزایی دارند.

غالب پژوهش‌هایی که به موضوع کلی تعامل ترجمه و ایدئولوژی پرداخته‌اند و در این نوشتار به تعدادی از آنها اشاره شد، تلاش کرده‌اند ناهمسوئی‌های زبانی متون

مبدأ و مقصد، گزینش‌های واژگانی، تناویبات واژی-دستوری و اختیارات کاربردشناختی و شناختی در متن مقصد را ذیل انگیزه و معیارهای ایدئولوژیک و سازمانی مترجم تحلیل کنند. به عبارت دیگر، از دید این پژوهش‌ها، هرگونه تغییرات زبانی و کاربردشناختی در متن مقصد ناشی از تفاوت‌های ایدئولوژیک مترجم با تولیدکنندگان متن مبدأ است. با وجود اینکه تحلیل‌هایی از این دست قادر هستند تنها بخشی از ناهمسویی‌های رخ داده در ترجمه را تحلیل کنند، واگذار کردن هرگونه ناهمسویی به ایدئولوژی دو ایراد عمده در پی خواهد داشت: از یک سو، ویژگی‌های رده‌شناختی و خاص زبانی زبان متون مبدأ و مقصد و همچنین محدودیت‌های گزینشی واژگان و ساخت‌های واژی-دستوری در بروز تغییرات و ناهمسویی‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از دیگر سو، این دیدگاه را پیش می‌نهد که زبان‌ها از نظام دستوری و معنایی مشابه و یکسانی در انتقال معنا برخوردارند؛ بنابراین، ارزیابی ترجمه به ارزیابی کیفیت انتقال ایدئولوژی در متن فارغ از بررسی‌های زبان‌شناختی، کاربردشناختی و شناختی تبدیل می‌گردد. افزون بر این، بیشتر مطالعات در این حوزه مسئله پژوهش و تمرکز تحلیل خود را بر روی یافتن دلایل ایدئولوژیک ناهمسویی‌ها در بین متون مبدأ و مقصد معطوف کرده است. حال آنکه همسویی‌ها و انطباق حداکثری زبانی، واژگانی و کاربردشناختی نیز به همان اندازه از اهمیت به‌سزایی برای مطالعه برخوردار هستند. با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر قصد دارد در پی عوامل و انگیزه‌های درون زبانی و برون زبانی باشد که موجبات بروز و پدیداری همسویی یا ناهمسویی در متون مبدأ و ترجمه آنها می‌شود. دست‌یابی به عوامل و انگیزه‌های دیگر در کنار انگیزه بسیار مهم ایدئولوژیکی ممکن است ابعاد جدیدی را در بررسی و نقد و ارزیابی ترجمه پیش رو بگذارد. به‌طور خاص، در این پژوهش به بررسی همسویی و ناهمسویی در ترجمه‌های نهادی از بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در خصوص امر «دیگرسازی»، به‌عنوان امر بارز سیاسی، پرداخته خواهد شد.

۲.۱. چارچوب نظری پژوهش

نظریهٔ مجاورت برای اولین بار توسط کپ (۲۰۰۶) به منظور مطالعهٔ «رتوریک قهری»^۱ در گفتمان مداخلات سیاسی آمریکا مطرح شد. این نظریه رویکردی کاملاً کاربردشناختی-شناختی است که به قواعد و الگوهای راهبردی زبانی، کاربردشناختی و شناختی در زیربنای تشریح‌های تحمیل‌شدهٔ گفتمان سیاسی و عمومی می‌پردازد (کپ، ۲۰۱۷). به‌طورکلی، نظریهٔ مجاورسازی مسائل مد نظر خود را در قالب اصول زبان‌شناسی‌شناختی و کاربردشناسی اجتماعی مطرح می‌کند: چستی مقاصد و اهداف گوینده در مفهوم‌سازی‌های تحمیل‌شده^۲ از نزدیکی و دوری وقایع به گوینده و مخاطبان، چستی منافع بینافردی یا ایدئولوژیکی در معرض خطر و وجود هرگونه قواعد مجموعه‌ای یا راهبردهای شناختی که الگوهای زبانی را برای وضع تشریح‌ها تعریف و تعیین می‌کنند (کپ، ۲۰۱۳). در تعریف دقیق‌تری، مجاورسازی عبارت است از «راهبردی گفتمانی از بازنمایی وقایع و امور فیزیکی و زمانی دوردست که به‌شدت عواقب منفی برای گوینده و مخاطبان دارد» (کپ، ۲۰۱۸، ص. ۹۷). به‌طورکلی، نظریهٔ مجاورسازی بیان می‌کند که تهدیدها از جانب هستارهایی واقع در حاشیهٔ یک فضای گفتمانی به‌خصوص هستند که به‌عنوان هستارهای بیرون-مرکز-اشاری^۳ (بما) (خارجی، دشمنان، اهریمن، آن‌ها و دیگران) شناخته شده‌اند؛ و این هستارها به سمت مرکز فضای اشاری^۴ روانه می‌شوند. این تهدیدها به این صورت مفهوم‌سازی شده‌اند که فاصلهٔ مفهومی فضایی-زمانی و ایدئولوژیکی را طی می‌کنند تا به محدودهٔ گوینده-مخاطبان (درون-مرکز-اشاری (دما)^۵) حمله‌ور شوند. کپ (۲۰۱۳) سه راهبرد مجاورت «فضایی»^۶، «زمانی»^۷ و «ارزشی-اخلاقی»^۸ را بر روی

1. coercive rhetoric
2. forced conceptualisations
3. Outside-Deictic-Centre (ODC)
4. deictic space
5. Inside-Deictic-Centre (IDC)
6. spatial proximisation
7. temporal proximisation
8. axiological proximisation

انگاره سه‌بعدی فضا-زمان-ارزشی-اخلاقی (فزا) درون فضای گفتمانی شناسایی می‌کند و برای هریک از آنها، چارچوب‌ها و الگوهای خاص واژگی-دستوری^۱ پیش رو می‌گذارد تا نشان دهد چگونه یک گوینده (سی سیاسی) مجاورت، تغییر و حرکت هستارها و وقایع را در گفتمان تشریح می‌کند.

نظریهٔ مجاورسازی بر روی نظریهٔ شناختی فضای اشاری^۲ چیلتون^۳ (۲۰۰۴؛ ۲۰۱۴) استوار است که شامل فضاهای تصویری با هستارهایی در درون (دما) و بیرون (بما) مرکز اشاری می‌شود. نظریهٔ فضای اشاری، فاصلهٔ مرکز فضای اشاری را با بازنمایی و مفهوم‌سازی هستارها و وقایع مرتبط می‌کند. این نظریه هم‌چنین نسبی بودن فاصلهٔ بین هستار و مرکز فضای اشاری، بازنمایی نمادین آن و ابعاد تعاملی دوسویه^۴ این فضا را شناسایی می‌کند (کپ، ۲۰۱۳).

اولین گام تحلیلی در نظریهٔ مجاورسازی، توصیف هستارهای خودی (درون-مرکز-اشاری) و غیر خودی (بیرون-مرکز-اشاری) است. این هستارها از خصلت اشاری^۵ برخوردار هستند و به ترتیب در محدوده‌ای در درون و حاشیهٔ فضای اشاری/گفتمانی مفهوم‌سازی شده‌اند؛ به طوری که هستارهای درون-مرکز-اشاری (دما) در مرکز فضای اشاری جاده‌ی شده‌اند و شامل عناصری همچون «ما»، «متحدین»، «دوستان ما»، «کشور ما» و غیره می‌شوند. در فاصله‌ای نسبی از محدودهٔ دما، قلمرو هستارهای بیرون-مرکز-اشاری (بما) قرار دارند که محلی است برای جاده‌ی عناصری از قبیل «آنها»، «دیگران»، «دشمنان» و غیره. این هستارها به وسیلهٔ عبارت‌های اسمی به‌عنوان «عناصر مرکز اشاری فضای گفتمانی» و «عناصر بیرون مرکز اشاری فضای گفتمانی» (کپ، ۲۰۱۳، ص. ۱۰۵) تشریح شده‌اند. بازنمایی و تشریح حرکت تهدیدآمیز آنها بر روی محور سه‌بعدی فضایی، زمانی و ارزشی-اخلاقی صورت می‌گیرد.

1. lexico-grammatical
2. deictic space theory
3. Chilton
4. bi-directional interactive aspects
5. deictic

گام دوم تحلیل راهبردهای سه‌گانه مجاورت را در برمی‌گیرد. مجاورسازی فضایی یک تشریح تحمیل‌شده^۱ است که در آن هستارهای دوردست (بما) به‌صورت فیزیکی به سمت هستارهای مرکزی فضای گفتمانی (دما) یورش می‌برند تا آسیب‌های فیزیکی به آن وارد کنند (کپ، ۲۰۱۳). مجاورسازی زمانی یک تشریح تحمیل‌شده از نزاع مجسم‌شده است که قریب‌الوقوع، جدی، خطیر و تاریخی بوده و نیازمند واکنش و تمهیدات بازدارنده منحصربه‌فرد است (کپ، ۲۰۱۸). با استفاده از قیاس، مجاورسازی فضایی و زمانی تهدیدهای روبه‌افزایش فعلی را با وقایع فاجعه‌بار گذشته درهم می‌آمیزند تا تشریح تهدید و کسب مشروعیت برای برخی تمهیدات و سیاست‌های بازدارنده را تقویت و پشتیبانی کنند. مجاورسازی ارزشی-اخلاقی دربرگیرنده نزاع ایدئولوژیکی بین هستارهای بما است. به بیان کپ (۲۰۱۳، ص. ۹۴)، مجاورسازی ارزشی-اخلاقی «یک تشریح جبری و تجسم تناقضات، منازعات و برخوردهای فزاینده ایدئولوژیکی بین ارزش‌های تشریح‌شده خودی (دما) و ارزش‌های تشریح‌شده هستار حاشیه‌ای (بما) است». به‌عنوان یک ابزار گفتمانی جبرانی، مجاورسازی ارزشی-اخلاقی درصدد مشروعیت‌بخشی به تمهیدات اعمال‌شده یا تحت مذاکره در شرایطی است که دیگر راهبردهای مجاورسازی از جمله مجاورسازی فضایی ناکارآمد یا غایب هستند (کپ، ۲۰۱۳).

۳. روش پژوهش

به‌عنوان یک مطالعه موردی، در پژوهش حاضر به شناسایی ابزارها و فرآیندهای زبانی، کاربردشناختی و شناختی در ۲۰ نمونه از سخنرانی‌های سیاسی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، و ترجمه‌های نهادی آنها در فاصله سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ خواهیم پرداخت. دوره مذکور بخشی از یک دوره پرتنش میان امریکا و غرب با ایران بوده و در طی آن مقام معظم رهبری به بیان سیاست‌های کلی نظام برای مقابله با تهدیدهای تشریح‌شده می‌پردازند. از میان سخنرانی‌های متعدد رهبری تنها

1. a forced construal

آن مواردی انتخاب شدند که به تشریح «دیگری‌ها و دشمنان» نظام جمهوری اسلامی و تهدیدهای آنان می‌پردازند. هدف مطالعه حاضر این است که از یک سو همسویی یا ناهمسویی‌های زبان‌شناختی، کاربردشناختی و شناختی بین متون مبدأ و ترجمه آنها را شناسایی کند و از دیگر سو، انگیزه‌های زیربنایی در بروز این همسویی یا ناهمسویی‌ها را مورد بحث قرار دهد.

در مطالعه حاضر، برای بررسی چگونگی (باز) تشریح دیگری‌ها و تهدیدهای آنان در هر دو متون مبدأ و مقصد از نظریه مجاورت (کپ، ۲۰۱۳) به‌عنوان چارچوب نظری و تحلیلی استفاده شده است. هدف این پژوهش، در وهله اول، بررسی ابزارها و فرآیندهای واژ-دستوری، کاربردشناختی-شناختی در ۲۰ نمونه (۴۰ هزار کلمه) از سخنرانی‌های رهبری به زبان فارسی در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ است که گفتمان رهبری برای بازنمایی دیگری تهدیدزا و کنش‌های تهدیدآمیز آنها علیه جمهوری اسلامی استفاده بهره می‌برد. مهم‌تر آنکه پس‌ازاین مرحله، به تحلیل نسخه ترجمه‌شده آنها پرداخته خواهد شد که توسط «دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای» صورت گرفته است و حامل‌های زبانی، کاربردشناختی و شناختی آن تهدیدهای تشریح شده را بررسی می‌شود. در همین راستا و انگیزه‌های زیربنایی احتمالی در بروز همسویی یا ناهمسویی در متون مبدأ و ترجمه آنها بحث و بررسی خواهد شد. متن تمامی سخنرانی‌های مقام معظم رهبری مورد استفاده در پژوهش حاضر از سایت رسمی ایشان www.leader.ir دریافت شده است. همچنین نسخه‌های ترجمه‌شده سخنرانی‌های ایشان از صفحه انگلیسی سایت مذکور استخراج شده است. آدرس دقیق نمونه‌هایی از سخنرانی‌ها که در بخش ۴ تحلیل شده‌اند، در بخش مراجع ذکر شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل ۲۰ مورد از سخنرانی‌های رهبر جمهوری اسلامی و مقایسه آنها با ترجمه‌های نهادی منتشرشده نشان می‌دهند که بازنمایی تهدیدهای علیه جمهوری اسلامی در ترجمه‌های نهادی منتشرشده از سخنرانی‌های رهبری به لحاظ

ساختار زبان‌شناختی، معانی کاربردشناختی و مفهوم‌سازی‌های شناختی، همسویی حداکثری با متون مبدأ دارند. تحلیل‌های کیفی از ساختارهای زبانی، کاربردشناختی و شناختی هر دو متن مبدأ و مقصد نشان می‌دهند که در بیشتر ترجمه‌های نهادی، مترجم تلاش کرده است تا حد امکان به اختیارات زبانی و نظام مفهوم‌پردازی متن مبدأ نزدیک شود و تا جایی که اصول دستور زبان مقصد اجازه می‌دهد و انتقال و فرآیندهای معناپردازی مختل نمی‌شوند، تشابه و قرابت دستوری بین دو متن مبدأ و مقصد را حفظ کند. با این وجود، نمونه‌هایی از تفاوت‌های ساختاری وجود دارد که منجر به رخداد تغییراتی، هرچند جزئی، در فرآیند انتقال معنا شود. در ادامه به تحلیل نمونه‌هایی از پیکره مطالعه مورد نظر پرداخته خواهد شد.

۱. آمریکایی‌ها این جوری با ما شروع کردند؛ با انقلاب این جوری شروع کردند. بعد هم در طول این مدت هرچه توانستند توطئه کردند. هر گروهی که می‌توانست علیه انقلاب حرکتی بکند، از سوی آمریکایی‌ها حمایت شد: کودتای معروف به کودتای پایگاه شهید نوژه همدان، یکی از این قضایا بود؛ کمک به کسانی که به‌عنوان قومیت‌ها در گوشه و کنار کشور علیه انقلاب حرکت می‌کردند، یکی از این نمونه‌ها بود؛ بعد تشویق صدام حسین به حمله به ایران و هشت سال کمک به صدام حسین یکی از این نمونه‌ها بود. هشت سال! آمریکایی‌ها در طول جنگ، به‌خصوص بعد از سال دوم و سوم، کمک‌هایشان را شدید کردند، امکانات دادند؛ هم آنها، هم متأسفانه هم‌پیمانان اروپایی‌شان. آمریکایی‌ها این جوری با انقلاب ما عمل کردند؛ همّت آنها این بود که این اساس را براندازند (۹۴/۸/۱۲).

1. This is how Americans started [to deal] with us; this is how they started [to deal] with the [Iranian nation's] revolution. Afterwards, they conspired [against us] as much as they could during this period [since the victory of the Islamic Revolution]. Any group that could have made a move against the revolution was supported by Americans: the famous coup attempt, known as the coup d'état of Martyr Nojeh [Air] Base of Hamedan was one of these cases; helping those who were moving against the revolution on ethnic grounds in some parts of the country was one of these cases; later on, encouraging [the former Iraqi dictator] Saddam Hussein to attack Iran and eight years of abetting Saddam Hussein was one of these

cases. [They helped Saddam for] eight years! During the war, especially after the second and third years [of the war], Americans increased their assistance [to Saddam and] provided [him with all kinds of] facilities; both them and, unfortunately, their European allies [helped Saddam]. This is how Americans dealt with our revolution; they were determined to topple this establishment¹ (2015/Nov./4).

در نمونه (۱)، آرایش هستارها و عناصر فضای بما با خصلت ویژه‌ای بیان شده‌اند: این فضا سه گروه از هستارهای کلی نامعین، هستارهای تاریخی منقضی شده^۲ و هستارهای موجود در فضای گفتمانی را در برمی‌گیرد. گروه اول به وسیله عنصر اسمی با سور عمومی «هر»، مدلول نامعین و نشانگر نکره «هر گروهی» و همچنین عنصر اسمی با مدلول نامعین و نشانگر نکره «کسانی» توصیف شده‌اند. گروه دوم شامل عبارت اسمی «صدام حسین» می‌شود. گروه سوم دربرگیرنده عناصر اسمی «آمریکایی‌ها» و ترکیب نحوی «هم‌پیمانان اروپایی‌شان» می‌شود. گروه اول به لحاظ کاربردشناختی تلویحاً بیان می‌کند که عناصر مخرب تهدیدزای بالقوه بسیاری در تضاد با جمهوری اسلامی وجود دارد. از نظر شناختی نیز استفاده از عناصر فضا ساز نامعین نظیر «گروهی» و «کسانی» باعث می‌شود فضای بما به صورت مفهومی گسترده دریافت و درک شوند. در مقابل این فضای بمای متکثر با تنوع هستاری گسترده، فضای دما تنها با یک عنصر اسمی «انقلاب» تشریح و مفهوم‌سازی شده است. چنین تشریح و بازنمایی از یک سو، انقلاب اسلامی را به عنوان یک هستار منفرد در مقابل شمار زیاد و وسیعی از هستارها و عناصر متخاصم قرار می‌دهد و بر شدت و گستره حملات ضدانقلابی به صورت تاریخی تأکید می‌کند. از دیگر سو، این نوع توصیف تقابلی از فضاها بر قدرت و پتانسیل دفاعی انقلاب تأکید می‌گذارد که در مقابل حملات و تهدیدهای تعداد زیادی از عناصر بما، هنوز پابرجا مانده است.

در بخش ترجمه شده این قطعه، تشریح فضاها و دما و بما و مفهوم‌سازی گسترده‌گی فضاها و معانی کاربردشناختی در همسویی حداکثری با متن مبدأ است. در

1. <https://www.leader.ir/en/speech/13837/Ayatollah-Khamenei-addresses-Iranian-university-students-and-pupils-on-the-eve-of-November-4,-marking-the-anniversary-of-the-1979-takeover-of-the-former-US-embassy-in-Tehran>

2. expired historical entities

متن مقصد، عناصر اسمی «Any group»، «those who» هستارهای نامعین با مدل‌های کلی و مشخص نشده گروه اول از هستارهای فضای بما را تشکیل می‌دهد. عنصر اسمی «Saddam Hussein» گروه هستارهای تاریخی منقضی شده را تشکیل می‌دهد؛ و نهایتاً، عبارت‌های اسمی «Americans» و «European their allies» عناصر و هستارهای موجود فعلی و پیوسته فضای بما را تشکیل می‌دهند. در انطباق با متن مبدأ، جادهی تنها عنصر اسمی انقلاب در فضای دما علاوه بر بیان تقابل انقلاب اسلامی با طیف وسیعی از هستارها به صورت تلویحی به قدرت و پتانسیل مقابله‌ای جمهوری اسلامی و انقلاب در مقابل تهدیدهای متنوع اشاره دارد.

نمونه (۱) دربرگیرنده یک تهدید جامع با نمونه‌های متعدد است که ریشه آنها در زمان گذشته قرار گرفته است. از ملاحظات بافتی می‌توان دریافت که بستر زمانی این تهدید یا بسته جامع تهدیدهای تاریخی دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. این بسته جامع تهدیدهای تاریخی در ساختار خطی روایت با نمونه‌های تاریخی و عینی از مصادیق تهدید و آسیب‌های تهدید عناصر فضای بما گسترده می‌شود. مصادیق تهدیدها با استفاده از فرآیند اسمی‌سازی بیان شده‌اند تا اجازه دهند تمامیت بعد فرآیندی یک رخداد تشریح شده، به قول لمکه^۱ (۱۹۹۵، ص. ۵۰)، «فشرده‌سازی شده آ» و این مفهوم را با خود به همراه داشته باشد که ترتیبات اجتماعی-سیاسی فعلی اموری غیرقابل‌تغییر و عینی هستند (بیلیگ^۲، ۲۰۰۸، ص. ۷۸۶). این تهدیدهای تشریح شده از نوع تهدیدهای مادی (فضایی) هستند که پیامدهای ملموس برای عناصر و هستارهای فضای دما به بار می‌آورند: کودتا؛ آشوب و ناآرامی؛ و حمایت از حمله نظامی. نکته جالب توجه این است که این تهدیدهای فضایی با یک مجاورت زمانی نیز همراه می‌شوند؛ به طوری که هرکدام از تهدیدها با تقدم زمانی رخداد تشریح شده‌اند و این نشان می‌دهد که هستارهای بما با مجاورت زمانی و فضایی به صورت مخرب و البته پیوسته به محدوده فضای دما نزدیک می‌شوند. از آنجایی که این

1. Lemke
2. condensation
3. Billig

تهدیدهای تشریح شده با تقدّم و تأخّر زمانی بیان شده‌اند، مخاطب با در نظر گرفتن بافتار و فضای سیاسی متخاصم بین ایران و آمریکا این سلسله مراتب تهدیدهای تاریخی را تا زمان حال به صورت ناخودآگاه ادامه می‌دهد و مجاورت هستار بما را ملموس تر درک می‌کند.

نکته بسیار جالب این است که این قطعه پیامدهای تهدید را تشریح نمی‌کند. با افزودن معنای کاربردشناختی برای تشریح یک واقعه مبنی بر پایان اثرگذاری آن، این بیش به وجود می‌آید که تهدیدهای تشریح شده در همان زمان گذشته خنثی و بی‌اثر شده‌اند. این نکته بر قدرت و قابلیت هستارهای دما در خنثی سازی و مقابله موفق با تهدیدهای تشریح شده در زمان گذشته تأکید می‌کند.

در ترجمه این بخش، استفاده از ساخت‌های واژگی-دستوری همسو با متن مبدأ، مترجم را قادر ساخته است مفهوم سازی‌ها و معانی کاربردشناختی موجود در متن مبدأ را به متن مقصد منتقل کند. در این نمونه ترجمه شده نیز مجاورت هستارهای دما به سوی مرکز فضای گفتمانی به صورت فضایی مفهوم سازی شده‌اند. تهدیدات تشریح شده در این نمونه، تهدیداتی از نوع فضایی هستند که در مقاطع زمانی مختلف به صورت پیوسته به سمت مرکز فضای گفتمانی نزدیک می‌شوند. ساخت‌های اسمی شده «the famous coup attempt; helping those who were...; encouraging Saddam Hussein...» تهریدهای تشریح شده را به عنوان اموری عینی و محقق شده مفهوم سازی می‌کنند.

در رابطه با مصادیق همسویی متن مقصد با متن مبدأ می‌توان بیان کرد که در متن مقصد نیز عبارت فعلی «they conspired» به صورت کلی به تهدیدهای متنوعی اشاره دارد که می‌تواند هم مصادیق عینی فضایی و زمانی و هم ارزشی اخلاقی داشته باشد. در ادامه این عبارت فعلی، به دلیل وجود منابع زبان شناختی مشابه در هر دو زبان مبدأ و مقصد، مترجم از ساختارهای اسمی در همسویی با زبان مبدأ برای بازتشریح موارد و نمونه‌های ملموس و تاریخی تهدید استفاده کرده است: «the famous coup attempt; helping those who were...; encouraging Saddam Hussein... were...». همان گونه که در بالا در مورد متن مبدأ بیان شد، استفاده از اسمی سازی برای تشریح وقایع باعث می‌شود تهدیدهای تشریح شده

به‌صورت یک امر حتمی و محقق شده تلقی شوند. از آنجایی که دسترسی به فرایندهای درونی کنش تشریح‌شده امکان‌پذیر نیست و مسئلهٔ وجهیت آن برای سنجش صحت و سقم مدعیات گوینده در میان نیست، میزان باورپذیری آن برای مخاطب افزایش می‌یابد. باین‌وجود در ادامه، در متن مقصد شاهد هستیم که به جهت همسویی با متن مبدأ، مجدداً عبارت فعلی برای تشریح تهدید به کار رفته است؛ در واقع این جمله متعدی «Americans increased their assistance...» ابعاد گسترده و جزئیات تهدید اسمی شده اخیر را روشن می‌کند. با توجه به اینکه در ساخت اسمی شده «encouraging Saddam...» دسترسی به ابعاد زمانی، مشارکین و کنشگران و نظام وجهیت در دسترس نیست، متن ترجمه‌شده از ساخت متعدی استفاده می‌کند تا از یک سو، با استفاده از عبارت قیدی «During the war, especially after the second and third years» مقطع زمانی بروز تهدید را مشخص کند و از طرف دیگر، کنشگران و مشارکین دخیل در امر تهدید جمهوری اسلامی را در آن برههٔ تاریخی شناسایی نماید. افزون بر این، در همسویی با متن مبدأ، متن مقصد از ساخت‌های اسمی شده، فعلی و اسمی با انطباق زمانی استفاده کرده است. این نوع تشریح باعث شده است که ساختار وجهیت در متن مقصد نیز همسو با متن مبدأ باشد.

۲. نظام سلطهٔ بین‌المللی که امروز مظهرش حکومت آمریکا است، سرمایه‌دارهای بزرگ صهیونیست‌اند و بعضی از دولت‌های مستکبر دیگر؛ اینها نمایندگان و نمادهای نظام سلطهٔ بین‌المللی هستند... این نظام سلطه‌ی بین‌المللی برای ملت‌ها -نه فقط ملت ما، بلکه] برای هر ملتی که بتواند- برنامه دارد؛ او هم می‌خواهد نسلی که آیندهٔ این کشور را و این کشورها را می‌سازد، با یک قواره‌ای و با یک شاکله‌ای تربیت بشود که برای او مفید باشد؛ نسلی در کشورها تربیت بشود که فکر او را داشته باشد، فرهنگ او را داشته باشد، نگاه و سلیقهٔ او را به مسائل جهانی داشته باشد... این برنامه‌ی استعماری فرهنگی است. البته مال امروز هم نیست؛ شاید ده‌ها سال است که این برنامه دارد انجام می‌گیرد (۹۵/۲/۱۳).

2. ...the international hegemonic system, which today is symbolized by the American government, by major Zionist capitalists, and some other arrogant governments; these are representatives and symbols of the

international hegemonic system...This international hegemonic system has a plan for [all] nations – not just for our nation, [but] for any nation it can [make a plan for] – [and] it wants the generation that [is going to] build future of this country and these countries to be raised in a shape and in a way that would be beneficial to it; [it wants] a generation be educated in countries that would adopt its way of thinking, adopt its culture, [and] adopt it. viewpoint and choice on global issues...This is a cultural colonialist plan. Of course, it is not limed to the present time, [because] perhaps the plan has been in gears for many long years.¹ (2016/ May/ 3)

در این نمونه، در متن مبدأ، هستارهای بیرون فضای اشاری حاوی هستارهای «حکومت آمریکا»، «سرمایه‌داران صهیونیست» و عبارت اسمی «دیگر دولت‌های مستکبر» با مصداق کلی و نامعین تشریح شده است. این فضا با معیارهای ایدئولوژیک (ارزشی-اخلاقی) «نظام سلطه بین‌الملل» و «استعمارگرایی فرهنگی» تشریح شده است. در واقع، هستارهای واقع شده در این فضا به‌عنوان مصادیق واقعی و محقق شده نظام سلطه بین‌المللی شناخته شده است. در این متن، در عبارت فعلی «این نظام سلطه بین‌المللی برای ملت‌ها...»، نظام ارزشی تشریح کننده فضای دیگری‌ها در قالب یک ساخت اسمی، در جایگاه کنشگر یک جمله متعددی قرار گرفته است و در حال اقدام به کنش شناسانده می‌شود. فاعلی سازی^۲ از یک نظام ارزشی-اخلاقی باعث شده است تا در قالب مجاز این نظام به تمام عناصر فضای بما ارجاع دهد. از طرف دیگر، تضاد و تخاصم بین فضاهای بما و دما را نه یک تخاصم بین عناصر مادی بلکه بین نظام‌های عقیدتی و معرفتی تشریح می‌کند. به‌عبارت دیگر، اختلاف و جنگ بر سر عقیده و بین نظام‌های عقیدتی است، نه بین افراد و هستارهای مادی.

در این نمونه، برای تشریح هستارهای درون فضای اشاری از هستار شناسا استفاده نمی‌کند و عناصر اسمی با مصادیق نامعین نظیر «ملت‌ها»، «ملتی»، «نسلی» و «این کشور» می‌تواند به طیف وسیعی از هستارها اشاره کند؛ اما به‌صورت معنایی

1. <https://www.leader.ir/en/speech/14856/Ayatollah-Khamenei-meets-with-teachers-from-across-Iran>

2. subjectifying

می‌توان بیان کرد که فضای دما دربرگیرنده کشورهای تحت سلطه و انقیاد نظام استکباری بین‌المللی را نمایندگی می‌کنند که به لحاظ فرهنگی، عقیدتی و معرفتی تحت سلطه قدرت‌های سلطه‌گر هستند.

در ترجمه نیز تقابل معنایی فضاهاى دما و بما، یعنی نظام‌های سلطه‌گر و تحت سلطه، در همسویی حداکثری با متن مبدأ تشریح شده است. در متن ترجمه‌شده، نظام سلطه بین‌المللی به‌عنوان نظام ارزشی و مسلط فضای بما توسط عناصر اسمی «the American government»، «major Zionist capitalists»، «other arrogant governments» تشریح می‌شوند. هم‌چنین، نظام ارزشی در عبارت فعلی «This international hegemonic system has a plan» با استفاده از صنعت «مجاز» به تمام عناصر فضای حاشیه‌ای اشاره دارد و به‌صورت فاعلی در این عبارت فعلی ایفای نقش می‌کند تا تضاد و تقابل عقیدتی بین هستارهای بما و دما را تشریح کند. در مقابل این فضا، عناصر اسمی «any nation»، «this country»، «these countries» و «a generation» هستارهای کلی و نامعین فضای دما را برمی‌سازند که به لحاظ معنایی نمایانگر کشورهای تحت سلطه و انقیاد هستند. همسویی ساختارها و عناصر تشکیل‌دهنده، تضاد و تخصص معرفتی و ایدئولوژیک بین فضاها را مشخص می‌کند.

متن مبدأ نشان می‌دهد دیگرسازی از طریق تشریح هستارهای فضای بما به ایجاد تهدیدهای ارزشی-اخلاقی میسر شده است. در این نمونه، مجاورسازی هستارهای بما و نظام ارزشی فاعلی شده در قالب عبارت فعلی «نظام سلطه بین‌الملل... برنامه دارد» و «... او می‌خواهد نسلی که آینده این کشور...» مفهوم‌سازی شده است. این نوع مفهوم‌سازی بیان می‌کند که هستارهای بما نگاهی استثمارگرایانه به آینده و منابع انسانی و فرهنگی کشورهای تحت سلطه دارند. تهدید اصلی ارزشی-اخلاقی به‌واسطه «برنامه داشتن» برای ملت متجلی و مجاورسازی می‌شود که نشان می‌دهد هستارهای فضای بما با یک مجاورت زمانی به منابع هویتی، فرهنگی و عقیدتی نزدیک می‌شوند. در ادامه، ساختار ضد واقعیت «او می‌خواهد...» آیندگی کنش‌های درون‌شده^۱

را نشان می‌دهد؛ به طوری که به لحاظ کاربردشناختی، بیان می‌کند کنش‌های درونه‌شده این ساخت در زمان حال به فعلیت نرسیده و زمان اصلی تحقق آن به زمان آینده فرافکن شده است. این ساخت قصدیت^۱ و اراده به تحقق کنش‌ها و برنامه‌های تشریح‌شده را به صورت پیش‌انگاشت حمل می‌کند. در این نمونه، هستار بما با تهدید اصلی «برنامه داشتن» به فضای فرهنگی، عقیدتی، فضای دما نزدیک می‌شوند. این مجاورسازی به وسیله ساخت وجهی ساده و عادت‌وار بیان شده است که علاوه بر مفهوم‌سازی مجاورت تهدید به صورت ممتد و پیوسته، از دیدگاه نظام وجهیت معرفتی، آن را به عنوان امری حتمی و واقعی نشان می‌دهد. باین وجود، پیامد تهدیدها و تحقق آنها به وسیله درونه‌شدگی در ساخت ضد واقعیت، در قالب یک مجاورت زمانی به آینده فرافکن شده است. این پیامدها در واقع تظاهر تهدید و مجاورت ارزشی-اخلاقی است که در قالب ساخت‌های التزامی بیان شده است: «با یک قواره و شاکله‌ای تربیت بشود که برای او مفید باشد...» و «نسلی در کشور تربیت بشود که فکر او را داشته باشد...». کاربرد ساخت التزامی در حقیقت بیانگر اهداف، آمال و آرزوهای کنشگر است. این بدین معناست که پیامدهای تشریح‌شده در زمان حال محقق نشده است، اما اراده و قصدیت عامل برای محقق‌سازی آنها در آینده وجود دارد. از نگاه وجهیت معرفتی، به دلیل فرافکن شدن پیامدهای تشریح‌شده به آینده، تحقق تهدیدها و پیامدها امری احتمالی مفهوم‌سازی شده و فاصله زمانی تا تحقق تهدید به صورت مفهومی افزایش یافته است.

متن ترجمه‌شده در همسویی حداکثری با متن مبدأ، تهدید اصلی را در قالب عبارت فعلی «... This international hegemonic system has a plan for [all] nations...» به عنوان یک مجاورسازی ارزشی-اخلاقی تشریح کرده است. با توجه به الگوریتم معنایی «plan»، می‌توان دریافت که این تهدید تشریح شده نگاهی به فضای آینده هستارهای دما دارد. در همین راستا، ساختار وجهی این عبارت فعلی که از نوع ساده است، امر مجاورسازی تهدید را امری ممتد و پیوسته تشریح می‌کند که نقطه پایانی معلومی برای آن تشریح نشده است.

1. intentionality

این بازبرساخت این بینش را به وجود می‌آورد که تهدیدها ممکن است به آینده نیز گسترش یابند. از سویی دیگر، همسو با متن مبدأ، این ساخت فعلی از وجهیت معرفتی اطمینان و یقین بهره می‌برد که امر تهدیدآمیز را واقعی و حقیقتی بازنمایی می‌کند؛ بنابراین، متن ترجمه نیز همچون متن مبدأ نشان می‌دهد که برنامه‌های استثماری هستارهای دما برای هستاری تحت سلطه و انقیاد دما رو به سوی آینده دارد. این مسئله در تشریح پیامدهای تهدید هم صادق است. در این مورد، در همسویی حداکثری با متن مبدأ، از ساخت‌های ضد واقعیت با نقش التزامی برای «... kit wants the generation to...» برای تشریح و روشن ساختن پیامدهای تهدید استفاده شده است. پیامدهای تهدید نیز همچون متن مبدأ به مهندسی فکری و فرهنگی کشورهای تحت سلطه اشاره دارد («... to be raised in a shape and in a way...») که به وسیله ساخت‌های مصدری «infinitive to» با نقش التزامی تشریح شده‌اند. از نظر وجهی، این تهدیدهای درونه‌شده در ساخت ضد واقعیت اموری محقق نشده و ناکامل هستند و زمان تحقق آنها به آینده فرافکن شده است. از این رو، فضای آینده محمل اصلی تحقق تهدیدهای تشریح شده است. از نگاه وجهیت معرفتی، به دلیل فرافکن شدن پیامدهای تهدید به آینده، تحقق آنها اموری احتمالی مفهوم‌سازی شده است. چنین تشریحی باعث شده است که فاصله مفهومی بین جایگاه و وضعیت فعلی هستارهای دما و زمان تحقق پیامدهای تهدید به لحاظ مفهومی افزایش یابد. این موضوع نیز در همسویی حداکثری با متن مبدأ به متن ترجمه منتقل شده است.

۳. امروز سیاست استکبار عبارت است از ایجاد شکاف و اختلاف بین ملت‌های مسلمان و حتی داخل ملت‌ها و بین احاد آن ملت‌هاست. این نقشه‌ای است که نقشه‌پردازان و توطئه‌گران آمریکای جنایت‌کار و صهیونیست‌ها برای منطقه ما که یکی از مهم‌ترین مناطق اسلامی است، طراحی کرده‌اند و شما نشانه‌هایش را دارید مشاهده می‌کنید (۱۳۹۷/۳/۲۵).

3. At the present time, the policy of the [global] Arrogance is to create rift and difference among Muslim nations and even within nations ...among people that make up those nations; this is [their] policy at the present time. And this is a plan, which has been drawn up by planners and conspirators of the criminal America and Zionists for our region, which is

one of the most important Islamic regions and you are observing its signs.¹

(2018/ June/11)

در این نمونه نیز همچون نمونه شماره (۲)، معیار برساخت و تشریح فضای بما (دیگری/ آنها) بر اساس معیارهای ارزشی-اخلاقی انجام شده است. در این فضا، عبارت اسمی «سیاست استکبار» به عنوان یک کنشگر فعال در امر روانه ساختن تهدیدهای ارزشی اخلاقی «ایجاد شکاف و اختلاف» به فضای مرکزی (دما/ خودی) است. هستارهای فضای خودی با عبارت‌های اسمی جمع همچون «ملت‌های مسلمان»، «داخل ملت‌ها» و «آحاد آن ملت‌ها» تشریح شده است. جمع‌سازی هستارهای دما از یک سو به لحاظ شناختی وسعت مفهومی فضای دما را افزایش می‌دهد؛ و از طرف دیگر، به لحاظ کاربردشناختی، این برداشت را مهیا می‌کند که گستره وسیعی از هستارها تحت تأثیر و در تیررس تهدیدهای هستارهای بما قرار دارند. هدف از این نوع برساخت می‌تواند افزایش و تأکید بر جاذبه هراس مجاورسازی هستارهای بما باشد. همین امر، در همسویی حداکثری به متن مقصد نیز منتقل شده است.

در متن ترجمه، عبارت اسمی «global arrogance» تنها عنصر فضای بما است که علاوه بر آنکه فعالیت و کردارهای سیاسی و ایدئولوژیکی فضای بما را مدیریت می‌کند، مبانی عقیدتی و معرفتی این فضا را نیز نشان می‌دهد. در مقابل این فضا، عبارت‌های اسمی «Muslim nations»، «within nations» و «people that make up those nations»، در همسویی کامل با متن مبدأ، عناصر فضای مرکزی را برمی‌شمارند و از طرف دیگر وسعت مفهومی این فضا را نشان می‌دهند.

متن مبدأ یک تهدید ارزشی-اخلاقی را تشریح می‌کند که در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تأثیرات منفی گسترده‌ای برجای می‌گذارد. این تشریح به واسطه درونه شدن یک عبارت اسمی «ایجاد شکاف و اختلاف...» در یک ساخت فعلی توصیفی «عبارت است از...» به انجام رسیده است. از دیدگاه کاربردشناسی،

1. <https://www.leader.ir/en/speech/21257/Meting-with-academia,-call-for-holding-a-referendum-on-the-fate-of-Palestine>

این ساخت بیان می‌کند که تهدید تشریح‌شده تنها یک مورد از سیاست‌های کلان و مخرب هستارهای بما علیه هستارهای مرکزی است. ساختار وجهی و نظام وجهیت در ساختار فعلی، به ترتیب نشان می‌دهد مجاورت تهدید امری پیوسته و همراه با یقین و اطمینان است. افزون بر این، از آنجایی که تهدید اصلی به وسیله عبارت فعلی تشریح شده است و دسترسی به ابعاد زمانی و وجهیت معرفتی آن ممکن نیست، حتمی بودن و واقعی بودن تهدید در ذهن مخاطب افزایش می‌یابد.

در نمونه ترجمه‌شده نیز تهدید تشریح شده از نوع ارزشی-اخلاقی است؛ اما در تشریح آن ناهمسویی‌هایی با متن مبدأ وجود دارد: در متن مبدأ تهدید ارزشی-اخلاقی در قالب عبارت اسمی درون‌شده در یک عبارت فعلی توصیفی تشریح شده است؛ اما در متن مقصد، این مهم به وسیله بیان قصد و نیت (ساخت مصدری) تشریح شده است: «to create rift and difference». این ساخت با آنکه تغییرات معناداری در تشریح تهدید به وجود نمی‌آورد، اما بر اراده و قصدیت مدیریت تهدید از جانب دیگری‌ها تأکید می‌کند. هم‌چنین، ناهمسویی در انتخاب واژگان نیز وجود دارد. در متن مقصد مترجم از واژه «difference» برای واژه «اختلاف» استفاده کرده است. استفاده از این معادل به شدت گستره و حجم تهدیدهای تشریح‌شده در متن مبدأ را کاهش می‌کند. به عبارت دیگر، انتخاب این واژه تأثیر تهدید تشریح‌شده را به ایجاد یک تفاوت ساده فرو می‌کاهد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌هایی از ۲۰ مورد سخنرانی مقام معظم رهبری در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۸ نشان داده شد که در ترجمه نهادی متون سیاسی متعلق به جایگاه‌های سوژه‌ای مهم در یک نظام سیاسی، همچون جایگاه رهبری، از همسویی حداکثری ساختار و نظام زبانی، کاربردشناختی و شناختی بین متون مبدأ و مقصد برخوردار است. علی‌رغم اینکه در این پژوهش، بررسی‌های کمی و آماری انجام نشده است، بر اساس بررسی ۲۰ نمونه از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و ترجمه‌های نهادی آنها که

نمونه‌هایی از آن در بخش ۳ ارائه شد، بیشترین میزان همسویی از یک سو در ساخت‌های دستوری، گزینش‌های واژگانی تشریح و مفهوم‌سازی فضاها و خودی (دما) و دیگری (بما) وجود دارد.

همچنین، همسویی ساختاری و معنایی در توصیف ویژگی‌ها و تلویحات کاربردشناختی نشان‌گر گستره مفهومی هر دو این فضاها در فضای گفتمانی وجود دارد. از سوی دیگر، ساختارهایی زبانی، کاربردشناختی و شناختی همسو در تشریح و مفهوم‌سازی مجاورت تهدید هستارهای بما به سمت مرکز فضای گفتمانی در بین متون مبدأ و مقصد مشاهده می‌شود. با این وجود، نمونه‌هایی از ناهمسویی و تفاوت در گزینش واژگان برای اسامی‌سازی تهدیدها و ساخت‌های وجهیت نشانگر مجاورت زمانی هستارهای تهدیدزا وجود دارد؛ اما شایان یادآوری است، همان‌گونه که در بخش ۳ نشان داده شد، ناهمسویی مد نظر تغییرات معنادار در تشریح مجاورت تهدید به وجود نمی‌آورند.

با در نظر گرفتن ماهیت متون بررسی‌شده و تحلیل‌های کیفی انجام‌شده، می‌توان اظهار داشت که دو انگیزه برون‌زبانی و درون‌زبانی در ارزیابی همسویی یا ناهمسویی ترجمه دخیل هستند. از این رو، عوامل برون‌زبانی تأثیرگذار بر همسویی و ناهمسویی در متن مقصد می‌توانند شامل موارد ذیل باشد: جایگاه سوژه‌ای تولیدکننده متن مبدأ در سازمان و نظام (سیاسی، اجتماعی، آکادمیک و...)، دامنه و وسعت تأثیرگذاری متن تولیدشده در ساحت اجتماعی، سیاسی، دینی، فرهنگی، هدف (سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک، نهادی، سازمانی) از ترجمه متن مورد نظر، مخاطبان نسخه ترجمه‌شده متن مبدأ، نظم گفتمانی نهاد و سازمانی که مترجم به آن وابسته است و نهایتاً ایدئولوژی حاکم بر فضایی که مترجم در آن فعالیت می‌کند.

کپ (۲۰۱۰) مواردی از قبیل آنچه در بالا ذکر شد را به‌عنوان مؤلفه‌های کلان-کاربردشناختی^۱ در نظر می‌گیرد که در ساختار زبانی و مؤلفه‌های معنایی عناصر زبانی وجود ندارند، اما بخشی مهمی از دانش کلان بافتی تحلیل‌گر (مترجم) را در

1. macro-pragmatics

برمی‌گیرند. این عوامل و انگیزه‌ها باعث می‌شوند ملاحظاتی در تفسیر کلام پدید آید. مؤلفه‌های کلان-کاربردشناختی به‌تنهایی فرآیندهای شناختی معناپرووری را انجام نمی‌دهند، بلکه در یک تعامل دیالکتیک با مؤلفه‌های کاربردشناختی خُرد^۱، نظیر عبارت‌های اشاری، تضمین^۲، پیش‌انگاشت^۳ و کنش‌های گفتاری^۴، به تفسیر و نهایتاً فهم نیات و مقاصد تولیدکننده متن کمک می‌کند. کپ (۲۰۱۰) معتقد است دو ساحت کاربردشناختی کلان که بافت کلان را مورد توجه قرار می‌دهد و کاربردشناسی خرد که انسجام معنا و انتقال آن را بر عهده دارد، در چرخه‌های متعدد می‌توانند به تحلیل‌گر (مترجم) کمک کنند تا به معنای عمیق‌تری دست یابند. بدون در نظر گرفتن عوامل کلان کاربردشناختی، کپ (۲۰۱۰) معتقد است نمی‌توان به مقاصد متن و ملاحظات راهبردی یا سیاسی دست یافت.

در خصوص موضوع مورد مطالعه حاضر، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فوق می‌توان گفت که همسویی موجود ناشی از این است که رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جایگاه سوژه‌ای، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از مسئولیت‌های خطیری از جمله تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرماندهی کل قوا، حل اختلافات و معضلات شدید، امضا حکم ریاست جمهوری و موارد مهم دیگر برخوردار هستند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹، ص. ۷۵-۶). چنین مسئولیت‌های اعطاشده‌ای به جایگاه رهبری باعث می‌شود که از یک سو، سخنان و مطالب بیان‌شده برای مجموعه‌ها، افراد و نهادهای مورد خطاب الزام‌آور بوده و از طرف دیگر، از تأثیرگذاری حداکثری در تمام ساحات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره برخوردار باشد. در مورد اخیر، به سبب اختیارات و مسئولیت‌های ویژه که توسط قانون اساسی به رهبری اعطا شده است، سخنان و موضوعات مطرح‌شده در سخنرانی‌ها در سطح سیاست بین‌الملل، مناسبات

-
1. micro-pragmatics
 2. implicature
 3. presupposition
 4. speech acts

منطقه‌ای و بین‌المللی و روند ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک با سایر کشورها تأثیرگذاری عمیقی دارد. بر این اساس، از آنجایی که فرمایش‌ها و بیانات رهبری در بردارنده مبانی معرفت‌شناختی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است، هدف نهاد ذی‌ربط از آثار ایشان اشاعه، نشر و آشنا ساختن جامعه بین‌الملل با شاکله فکری-معرفتی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است. لذا، در حقیقت جامعه بین‌الملل مخاطبان اصلی متون ترجمه‌شده بیانات مقام معظم رهبری هستند. در ارتباط با عامل نظم‌گفتمانی یا به عبارت دیگر، الزامات و اقتضائات نهادی و سازمانی حاکم بر مترجم، باید افزود که ترجمه‌های نهادی منتشرشده از سخنرانی‌های رهبری توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سیّدعلی خامنه‌ای به انجام رسیده است. با در نظر گرفتن اهداف اصلی و جامعه هدف، دفتر پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری با هدف اطلاع‌رسانی سریع و بی‌واسطه و ایجاد منبع قابل اطمینان اخبار و مطالب مرتبط با رهبر معظم انقلاب اسلامی اقدام به نشر آثار و بیانات مقام رهبری می‌کند و بر این اساس مترجم تمایل به برقراری همسویی حداکثری برای افزایش ضریب اطمینان دارد.

انگیزه‌های زبان‌شناختی در ایجاد ناهمسویی یا همسویی در ترجمه به‌اندازه انگیزه‌های بیرون‌زبانی (کلان-کاربردشناختی) اهمیّت و دخالت دارند. منظور از انگیزه‌های زبان‌شناختی به امکانات یکسان نحوی، معنایی، کاربردشناختی و شناختی زبان‌های مبدأ و مقصد برمی‌گردد که مترجم برای انتقال معنا و مفهوم مورد نظر به متن مقصد بکار می‌گیرد. زبان فارسی و انگلیسی از منابع زبان‌شناختی تقریباً مشابهی برخوردار هستند. به بیان دیگر، هر دو زبان از صورت‌ها و فرآیندهای دستوری مثل اسم، اسم‌سازی، فعل، صفت، صفت مرکب و مبتداسازی برخوردار هستند و منابع کاربردشناختی و شناختی مشابهی دارند. برای نمونه صفای اصل و صحرایی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که فارسی و انگلیسی در ساخت‌های آغازگری-پایان‌بخشی، آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار، نشان‌گذاری آغازگر بی‌نشان و آغازگرهای ساده و چندگانه یکسان هستند. با بررسی داده‌های این مقاله این بینش به دست می‌آید که دارا بودن یا

نبودن امکانات زبان‌شناختی یکسان انگیزه‌های لازم را در کنار انگیزه‌های رقیب برون‌زبانی برای ایجاد همسویی یا ناهمسویی در متن مقصد ایجاد می‌کند. این موضوع در ترجمه متون سیاسی اهمیت بسیار بیشتری پیدا می‌کند؛ به طوری که مترجم ممکن است تلاش کند با در نظر گرفتن مسائل و اقتضائات برون‌زبانی از تمام امکانات مشترک بین زبانی برای انتقال معنا و مفهوم بهره بگیرد. البته ممکن است تحت تأثیر انگیزه‌های برون‌زبانی، مترجم با علم به اشتراکات زبانی برای انتقال معنا از ساخت‌های متفاوتی استفاده کند تا تأثیرگذاری ایدئولوژیک داشته باشد. در هر صورت، قبل از قضاوت درباره اینکه ناهمسویی متن مقصد ناشی از اختلافات ایدئولوژیکی است یا خیر باید احتیاط کرد و ابتدا به همسانی ساخت‌های زبان‌شناختی و کاربردشناختی توجه کرد و این پرسش را پیش گذاشت که آیا نظام نحوی، معنایی و کاربردشناختی زبان مقصد اجازه انتقال بی‌کم‌وکاست یک ساخت از زبان مبدأ را می‌دهد یا خیر.

در خصوص داده‌های پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن جایگاه سیاسی و دینی مقام رهبری، اهداف و مخاطبان، مترجم تلاش کرده است از حداکثر امکانات و اشتراکات بین‌زبانی برای همسویی و وفاداری حداکثری به متن مبدأ استفاده کند. در موارد بروز ناهمسویی جزئی هم انتخاب‌های مترجم نشان می‌دهد که منابع زبانی مشترک در دسترس نبوده است.

کتاب‌نامه

- احمدی پور، ط.، و رضایی، ع. (۱۳۹۰). جنسیت و ایدئولوژی در ترجمه با رویکرد تحلیل انتقادی کلام. *مطالعات ترجمه*، ۹(۳۵)، ۱۱۵-۱۲۴.
- امیرشجاعی، آ.، و قریشی، م. (۱۳۹۵). بررسی نشانه‌ای-فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی) مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی. *زبان پژوهی*، ۱(۱۹)، ۷-۳۲.

- آقاگل زاده، ف.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۵). بررسی بازنمایی ایدئولوژی در متون ترجمه شده سیاسی انگلیسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی: محورهای سبک و بلاغت. *زیانشناسی و گویش های خراسان*، ۱(۱۴)، ۲۵-۴۹.
- جبرئیلی، م.، میرزا ابراهیم تهرانی، ف.، و شرکت مقدم، ص. (۱۳۹۸). نقد ترجمه متون مطبوعاتی فرانسه/فارسی با تکیه بر رویکرد ون دایک. *پژوهش های زبان و ترجمه فرانسه*، ۲(۲)، ۹۱-۱۱۹.
- جوکاری، م.، و حدائق، ب. (۱۳۹۷). کاوشی بر میزان نفوذ ایدئولوژی در رمان نوجوان، مورد مطالعه: رمان لالی برای دختر مرده. *نقد و نظریه ادبی*، ۳(۲)، ۲۹-۵۱.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۳). بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ۷ مهر ۱۳۹۴.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۴). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ۱۲ آبان ۱۳۹۴.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۵). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفته‌ی معلم. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۷). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها در بیست و پنجمین روز از ماه مبارک رمضان. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. ۲۰ خرداد ۱۳۹۷.
- خان‌جان، ع. (۱۳۹۲). اثر ایدئولوژی بر ترجمه‌ی خبر: یک مطالعه‌ی موردی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۲(۲)، ۴۸-۱.
- خلیقی، ی.، خزاعی فرید، ع.، و ناظمیان فرد، ع. (۱۳۹۴). تأثیرات ایدئولوژی چپ در عرصه انتخاب آثار ادبی جهت ترجمه. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۳(۳)، ۲۸-۱.
- رضوان طلب، ز.، و صدیقی، ن. (۱۳۹۸). بررسی نقش ایدئولوژی از نظر بافت زبانی در ترجمه متون سیاسی نزد رسانه‌های خبری فرانسوی‌زبان. *پژوهش های زبان و ترجمه فرانسه*، ۲(۱)، ۲۱۳-۲۳۸.
- شفیعی ثابت، غ.، و رابعی، ع. (۱۳۹۰). تأثیر ایدئولوژی جنسیتی مترجم بر ترجمه رمان بلندیهای بادگیر اثر امیلی برونته. *آموزش مهارت های زبان (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)*، ۳(۶۴)، ۱۵۸-۱۴۳.
- صفایی اصل، ا.، و صحرایی، ر. (۱۳۹۷). نظام آغازگر در دو نظام فارسی و انگلیسی: مطالعه‌ی رده‌شناختی. *زیانشناسی و گویش های خراسان*، ۱۰(۲)، ۵۳-۲۱.

طاهری، ز. (۱۴۰۱). بررسی ظهور «ریزوسفیر» در رمان در وست میلز. *مطالعات زبان و ترجمه*. در دست چاپ. https://jllts.um.ac.ir/article_42016.html

عزیزی، م.، احمدپور، ط.، امامی، ح.، و واعظی، م. (۱۳۹۵). تأثیر ایدئولوژی مترجم در برگردان موتیف باده در رباعیات خیام به زبان عربی (با تکیه بر ترجمه احمد رامی، احمد صافی و ابراهیم عریض). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۶(۱۵)، ۱۵۸-۱۳۵.

فرحزاد، ف.، و مدنی، ف. (۱۳۸۸). ایدئولوژی و ترجمه: مطالعه موردی. *مطالعات ترجمه*، ۷(۲۶)، ۳۰-۱۱.

قاسمی نسب، ر.، و عسکری، ص. (۱۳۹۹). رویکرد پنهان سیاست و ایدئولوژی در برگردان واژگان رسانه ای. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۰(۲۳)، ۸۹-۶۱.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸. (۱۳۹۹). تهران، ایران: نشر دوران

کاظمیان، ر.، و واشقانی فراهانی، م. (۱۳۹۹). ترجمه گزاره‌های فراگفتمانی در گفتمان سیاسی تد: بررسی کم تخصصی معنایی میان زبان انگلیسی و فارسی در پیکره موازی. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۳(۲)، ۱۵۴-۱۲۷.

کپ، پ. (۱۳۹۸). *زبان هراس: تزریق تهدید در گفتمان عمومی* (ع. بصارتی، مترجم). تهران، ایران: نشر لوگوس.

متقی زاده، ع.، و نقی زاده، س. (۱۳۹۶). تأثیر مسائل ایدئولوژیک در کیفیت ترجمه اخبار عربی (بررسی موردی ترجمه خبر شبکه الجزیره در خبرگزاری فارس براساس الگوی جولیان هاوس). *جستارهای زبانی*، ۸(۴)، ۱۷۳-۱۴۹.

- Billig, M. (2008). The language of critical discourse analysis: The case of nominalization. *Discourse & Society*, 19(6), 783-800.
- Cap, P. (2006). *Legitimization in political discourse: A cross disciplinary perspective on the modern US war rhetoric*. Newcastle, England: Cambridge Scholars Press.
- Cap, P. (2008). Towards the proximization model of the analysis of legitimization in political discourse. *Journal of Pragmatics*, 40(1), 17-41.
- Cap, P. (2010). Axiological aspects of proximisation. *Journal of Pragmatics*, 42(2), 392-407.
- Cap, P. (2013). *Proximization: The pragmatics of symbolic distance crossing*. Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
- Cap, P. (2017). *The language of fear: Communicating threat in public discourse*. New York, NY: Palgrave Macmillan.

- Cap, P. (2018). Spatial cognition. In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *The Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 92-105). London, England: Routledge.
- Chilton, P. (2004). *Analysing political discourse: Theory and practice*. London, England: Routledge.
- Chilton, P. (2014). *Language, space and mind: The conceptual geometry of linguistic meaning*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Eipper, J. (2012). Language, power and 'T-word'. In S. S. Elliot & R. Boer (Eds.), *Ideology, culture and translation* (pp. 201-205). Georgia, GA: Society of Biblical Literature.
- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London, England: Routledge.
- Federici, E. (2017). Context matters: Feminist translation between ethics and politics. In C. C. Camus, C. G. Castro, & J. T. Williams (Eds.), *Translation, identity and gender* (pp. 132-154). Newcastle, England: Cambridge Scholars Publishing.
- Flowerdew, J., & Richardson, J. (Ed.) (2018). *The Routledge handbook of critical discourse studies*. London, England: Routledge.
- Godayol, P. (2017). Simon de Beauvoir: Censorship reception under Francoism. In C. C. Camus, C. G. Castro, & J. T. Williams (Eds.), *Translation, identity and gender* (pp. 64-82). Newcastle, England: Cambridge Scholars Publishing.
- Hart, C. (2018). Cognitive linguistic critical discourse studies: connecting language and image. In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *The Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 187-201). London, England: Routledge.
- House, J. (1997). *Translation quality assessment: A model revisited*. Tübingen, Germany: Gunter Narr Verlag.
- House, J. (2009). *Translation*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Khamenei, S. A. (2015). The leader's remarks in meeting with commanders and staff members of the Islamic Revolution Guards Corps (IRGC) Navy and their families. The Office of the Supreme Leader. 2015/ Oct./ 7.
- Khamenei, S. A. (2015). The leader's remarks in meeting with university students and pupils on the eve of the National Day of Fighting against Global Arrogance. The Office of the Supreme Leader. 2015/Nov./4.
- Khamenei, S. A. (2016). The leader's remarks in meeting with thousands of teachers on the occasion of Teacher's Week. The Office of the Supreme Leader. 2016/ May/ 3.
- Khamenei, S. A. (2017). The leader's remarks in meeting with a group of academics, elites and researchers from Iranian universities. The Office of the Supreme Leader. 2018/June/ 11.
- Lemke, J. L. (1995). *Textual politics: Discourse and social dynamics*. London, England: Routledge.

- Leonardi, V. (2017). Gender, language and translation in the health science: Gender biases in medical textbooks. In C. C. Camus, C. G. Castro, & J. T. Williams (Eds.), *Translation, identity and gender* (pp. 8-31). Newcastle, England: Cambridge Scholars Publishing.
- Mayr, A. (2004). *Prison discourse: Language as a means of control and resistance*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Nadella, R. (2012). Postcolonialism, translation and colonial mimicry. In Elliot, S. S. and Boer, R. (Eds.), *Ideology, culture and translation* (pp. 39-48). Georgia, GA: Society of Biblical Literature.
- Petterson, C. (2012). Configuring the language to convert people: translating Bible in Greenland. In S. S. Elliot & R. Boer (Eds.), *Ideology, culture and translation* (pp. 139-150). Georgia, GA: Society of Biblical Literature.
- Rodriguez-Across, I. (2017). Translation and ideology: The construction of identity in magazines aimed at women. In C. C. Camus, C. G. Castro, & J. T. Williams (Eds.), *Translation, identity and gender* (pp. 155-176). Newcastle, England: Cambridge Scholars Publishing.
- van Leeuwen, T. (2018). Legitimation and multimodality. In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *The Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 218-232). London, England: Routledge.

درباره نویسندگان

سمیر حسنونندی دانشجوی دکتری مترجمی دانشگاه اصفهان است. علایق پژوهشی او تحلیل گفتمان، گفتمان‌های سیاسی، ترجمه دیداری-شنیداری، ارزیابی کیفیت ترجمه، ترجمه و ادبیات و ترجمه قرآن است.

اکبر حسابی دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان است. زمینه‌های تحقیقاتی او شامل زبان‌شناسی شناختی، مطالعات ترجمه و آموزش زبان است.

سعید کتابی دانشیار آموزش زبان انگلیسی در گروه زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان است. زمینه‌های تحقیقاتی او شامل تولید مواد درسی، آموزش مهارت‌های زبانی، آموزش معلمان و مطالعات ترجمه است.